

فعلان سیاسی فقدان «علی خواجوی» را تسلیت گفتند

درگذشت چهره خوشنام اصلاح‌طلبان جنوب

شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۳ ذیحجه ۱۴۴۲ - ۲۴ جولای ۲۰۲۱

مذاکرات هسته‌ای بار دیگر به سر نوشت نامعلوم دچار شد؛

تجدید حیات بر جام در دست رئیسی

همدلی؛ برجام، معطل استقرار دولت جدید مانده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، طرفین اروپایی و همچنین آمریکا،بی‌تابانه نظاره گر زمان نشتنن رئیسی بر صندلی پاستور هستند تا ادامه نشست‌های برجلمی را پیگیری کنند؛در این روند البته آنان از ارسال پیام‌های متعدد نیز دریغ ندارند و آشکارا بر ادامه مسیر مذاکرات و تسریع روند آن، اصرار می‌ورزند.

جنجال‌های عکس زن تشنه خر مشهری

گفت‌وگوی رئیس قوه قضایه با زندانیان رجایی شهر

تراژدی مسکن و سیمان

گزارش همدلی از روند گسترش شیوع در کشور

صعود کرونا نزول واکسیناسیون

فضل‌اله یاری: «آقا! آقا! آقا! آقا! مظاهرات سلمیه، چرا آتیش می‌زنی؟

کاملا سلمیه، چرا تیر می‌اندازی؟ تو که خاکتو نیردن، آیتو نیردن، ما مظاهرات سلمی می‌خوایم، ما آب و زمین‌مون را می‌خوایم، هیچ بی‌شرفی حق نداره...حجالت بکشین...زمین... آبن... ناموس...! این صدای زنی است که در چند روز اخیر در فضای مجازی و رسانه‌های دست به دست می‌شود و بخشی از وضعیت امروز مردم خوزستان را فریاد می‌زند؛ زنی که گفته می‌شود در اعتراضات اخیر

مردم تشنه خوزستان حضور داشته و این فریادهایش در حافظه گوشی‌های تلفن همراه ضبط‌ والیته در حافظه تاریخ نیز ثبت شده است.

همه این کلماتم اگرچه پر از درد است، اما یک پیام بزرگ در آن نهفته است؛انجا که فریادهایش را ادامه می‌دهد و می‌داند که مخاطبان پیامش ممکن است «مظاهرات سلمی» را متوجه نشوند، بلندتر از قبل به زبان فارسی ترجمه می‌کند:«ما مسالمت‌آمیزیم» پیامی با دو نوع مخاطب؛ اولی نظام و حاکمیت و دومی گروه‌هایی که قصد دارند از نمود اعتراضات مردم

شهدا

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

پیام مردم خوزستان به مسئولان و تجزیه‌طلبان

مामسالمت‌آمیزیم

« رهبر انقلاب: «متهمان مردم ناراحتی‌شان تشنگی خوزستان را بروز دادند چه کسانی هستند؟ آسیب‌های اعتراضات به نام خوزستان

خوزستان کلاهی برای سر بی‌کلاه خود تدارک ببینند. این فریاد ابتدا رو به به سوی حاکمیت دارد که مردم خوزستان تشنه‌اند، آب ندارند، خاک‌شان و زمین‌شان و همه نمادهای زندگی‌شان دارد به فنا می‌رود. همان که همه ما دلائل آن را می‌دانیم؛ تبعیض‌های میان حاشیه و متن، بی‌تدبیری‌های اجرایی دولتها م، در سامان دادن به وضعیت معیشت مردم خوزستان و مهم‌تر از همه این موارد، بی‌اعتنایی کامل همه دولت‌ها به مسئله‌ای تحت عنوان محیط‌زیست؛ موردی که می‌خواهد از زمین، هوا و آب و معیشت و

تنفس مردم خوزستان، نفت و برق و توسعه‌ای‌تمامم استخراج کند برای صدور به سرزمین‌های دیگر. همان نگاهی که دهه‌هاست خوزستان آباد، سرسبز و غنی را به ویرانه‌ای خشک و فقیر تبدیل کرده است. همان که تصویری متناقض از فقر و فلاکت را در کنار شعله‌های روشن نفت وگاز از خوزستان ارائه کرده است.این پیام مردم خوزستان به آن بخش از حاکمیت است که همیشه در صدای اعتراض مردم ایران، رگه‌هایی از صدای بیگانگان و دشمنان کشور را نیز استخراج می‌کند تا هر اعتراضی را ساماندهی شده در خارج از

خودش به آن پاسخ مناسب دهد؛

فرزندانان! و حال این دولت و حکومت است که باید پاسخگو باشد و نه تنها زمینه بر آرای ماخوذه و درصد شرکت ولی‌نعمتان در انتخابات، اصل مهم مطالبه‌گری آنان را نیز به عنوان بخشی از مسئولیت پاسخ‌گویی حکومت در برابر جامعه، با خود به همراه می‌آورد.

مردم، ملت، شهروندان یا هر نام دیگری که بر ساکنان یک کشور بگذاریم، فقط به منظور تحقق خواسته‌هایشان، مسئولان را بر صندلی‌های راحت حکمرانی نشانده‌اند و در برابر آن‌ان انتظاری جز خدمت و تسهیل در خدمت بودن و دست بر سینه و با احترام برخورد کردن با مردمانی که مجموعه‌ای از حقوق خود را به دست امانت‌دارانی سپرده و

طرح بهارستان برای ساماندهی فضای مجازی چگونه عمل می‌کند؟ پای مجلس روی شیلنگ اینترنت

یادداشت

خوزستان؛ درد مشترک، درمان مشترک



علی‌مندنی‌پور*
وکیل دادگستری

خوزستان را ندیده بودم، اما در کتاب فارسی دوره دبستان این شعر کوتاه و گویا را در وصف حال آن سرزمین تاریخی و پر از رمز شنیده وبارها خوانده بودم: «سلام من به خوزستان، پیام من به سالمتش».

خوب به‌یاد دارم، همگی در مدرسه‌س این شعر حماسی را از باز کرده با‌صای زسار در مناسبت‌های گوناگون در کلاس درس و درمیان جمع، سر می‌دادیم. چه حال و هوایی داشتیم، گویی در برابر «سینکدرهاوقصیرها...از خاک خوزستان این بشبه شیران و مهد تمدن ایران‌زمین یا غرور و افتخار به دفاع برخاسته بودیم!

گذشت، تا آنکه در دوره دبیرستان گذرم به این سرزمین زیبا و پر نعمت افتاد و عظمت آن‌را در شکل و شمایل همان شعر خاطرمانگیز دوره نوجوانی یافتم، مردمانی شاد و خونگرم، خاکی زرخیز با «بهمنشیر جوشان و کارون خروشانش»، «خرمشهر زیبا، اهواز دل‌اوز و آبادان آبادش» انقلاب شد و این بار در روزهای آخر سال شانس دیدارش دست داد، بهشت را در نظر تخم‌س می‌کرد، شب و ورزش نور بود، روزها تابش جان‌بخش خورشید آخرین روزهای اسفند و شب‌ها تا چشم کار می‌کرد روشنایی شعله‌های آتشی که از دور دست دیده می‌شد و از دهانه چاه‌های نفت فوران می‌کرد. سرسبز بود و رویایی و دل‌انگیز و از آن دلچسب‌تر داشتن مردمانی خونگرم، شاد و لبریز از امید و دلگرم به آینده‌های بهتر.

۳۱ شهریور ۵۹ آتش جنگ ۸ ساله شله‌ور شد و خوزستان تلایه‌دار، پیش از همه در خط مقدم و بیش‌از همه در رویارویی با خون و خمپاره و موشک و آوارگی.

خوزستانی آن‌گونه که انتظار می‌رفت، مقاوم ایستاد و حماسه‌آفرید و فراتر از سهم و وظیفه ذاتی‌اش به مام میهن ادای دین کرد و هزینه پرداخت، سوسنگرد و اهواز و آبادان و بهمنشیر و جزایح و ماهشهر و خرمشهر و دزفول و بهبهان و شوشتر و مسجد سلیمان و لالی و ایذه و... شب‌ها و روزهای سختی را در آتش و دود خمپاره و موشک سوختند و ساختند و ویرانی‌های بسیاری را از این رهگذر به خود دیدند!

جنگ تمام‌شدو درانتظار تشویق و پاداش و آبدی و پوره‌ناه، تشویق و پاداشی که بحق شایسته‌اش بود، اما از آنجایی که مدافع در «قلعه» پایتخت نداشت و هنوز هم از این پشتوانه بی‌پهره است، نه تنها به حق قانونی‌اش نزسید، بل به‌علت سیاست‌های غیر اصولی و برنامه‌های کارشناسی نشده مسئولان در

یادداشت

مطالبه‌گری از نوع طلب آب



محسن رفیق
روزنامه‌نگار

فارغ از مفهوم دموکراسی و وجود عناصر آن در یک جامعه، صدوق‌های رای به جز افتخار بر آرای ماخوذه و درصد شرکت ولی‌نعمتان در انتخابات، اصل مهم مطالبه‌گری آنان را نیز به عنوان بخشی از مسئولیت پاسخ‌گویی حکومت در برابر جامعه، با خود به همراه می‌آورد.

مردم، ملت، شهروندان یا هر نام دیگری که بر ساکنان یک کشور بگذاریم، فقط به منظور تحقق خواسته‌هایشان، مسئولان را بر صندلی‌های راحت حکمرانی نشانده‌اند و در برابر آن‌ان انتظاری جز خدمت و تسهیل در خدمت بودن و دست بر سینه و با احترام برخورد کردن با مردمانی که مجموعه‌ای از حقوق خود را به دست امانت‌دارانی سپرده و

برای این منظور از نتیجه زحمت خود، هزینه‌های زندگی آنان را تأمین کرده و به مراتب آسایش بیشتری برای آنان و خانواده‌هایشان ایجاد کرده‌اند، یکی از ساده‌ترین مسئولیت‌های این خادمنی ملت است. مسئولیت حکومتی نمی‌تواند به عنوان برج‌سیمی از تفاوت تلقی شده و یک مسئول دولتی، نظامی یا وابسته به حکومت را آن‌چنان از متن مردمان جامعه خود دور کند، که با وجود درک کمبودها و مشکلات موجود، اصل مطالبه‌گری آنان را به

عناوینی چون مخالفت با حکومت، خوسدری یا اغتشاش نتزل دهد، چرا که اگر او هم در میان همین مردم و با همین شرایط زیست کننده، فاصله‌ای برای خود منصور نیست و می‌تواند به راحتی رنج رفته بره آنان را نیز درک کرده و خود را با آنان سهیم بداند. از سوی دیگر، در هر سیستم حکومتی، مردم حق اعتراض دارند، حتی باید بتوانند با فریادهایی بلند، خواسته‌های به حق خود را از حکومت مردان خود، طلب کنند. باید بتوانند تجمع کنند، راهپیمایی کنند و انباشت خودیونی چون مخالفت با حکومت، خوسدری یا اغتشاش نتزل دهد، چرا که اگر او هم در میان همین مردم و با همین شرایط زیست کننده، فاصله‌ای برای خود منصور نیست و می‌تواند به راحتی رنج رفته بره آنان را نیز درک کرده و خود را با آنان سهیم بداند. از

سوی دیگر، در هر سیستم حکومتی، مردم حق اعتراض دارند، حتی باید بتوانند با فریادهایی بلند، خواسته‌های به حق خود را از حکومت مردان خود، طلب کنند. باید بتوانند تجمع کنند، راهپیمایی کنند و انباشت خودیونی خود به جای نهان کردن در سینه‌هایشان، بر سر مسئولیتی که ناتوان از تحقق حقوق اولیه آنان بوده‌اند، هوار کنند. فریاد، شمار، تجمع و اعتراض در صحن عمومی جامعه، رسانه‌ها و محیط‌های مجازی، تنها راه قابل دسترس برای هر شهروندی است که بخشی از حقوق خود را به وکلای مسئول دولتی، نظامی و حکومتی، تفویض کرده و حال از آنان طلب رسیدگی دارد.

یادداشت

بی‌مسئولیتی، با وجود هزاران مسئول

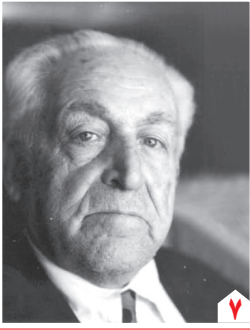


مهدی شیرازی آقاولی
فعال اجتماعی و رسانه‌ای

مشکلات و مسائل فزاینده خوزستان امروز به حدی تلخ و گزنده است که کمتر ایرانی غیور و وطن‌پرستی از کنار این مشکلات و سختی‌های‌می‌تواند به راحتی عبور کند. مطالبات و دغدغه‌های بحق شهروندان این استان ایجاب می‌کند، نه به صورت شعاری، بلکه جهادی و در میدان عمل حل و فصل شود.

نکته‌مهم در موضوع خوزستان این است که‌یاداصل‌اعتراض و خواسته‌های مردم را پذیرفته، مردمی‌که چه در ایام پیروزی انقلاب چه در دوران هشت سال جنگ تحمیلی که جانانه و با دستان خالی در برابر دشمن ایستادگی کردند و چه در دوران تهدید و تحریم بزرگ‌ترین یار و پشتیبان نظام و انقلاب بودند! این روزها مطالبات و خواسته‌هایی دارند که به هیچ‌وجه نمی‌توان آنها را فریب خورده و معاند خواند. صدای این روزهای خوزستان صدای مظلومیت، حق‌خواهی و عدالت‌طلبی است و بر همه مسئولان فرض است که صدای خوزستان را بشنوند و برای آن چاره‌ای ببندیشند، البته حساب اهالی غیور خوزستان از فشار امنیت‌شان، خواهد شد؛ نقلی‌که می‌گویند که بر آنان رفته است، تنها با تکیه بر صندلی و گشاده‌پایی و بی‌قنای‌تر در برابر آنان، محقق نخواهد شد. در این روند، رویارویی امنیتی و برخورد شدید با شهروندان با هدف ساکت کردن فضا، تنها به پاک کردن صورت مسئله‌ای می‌ماند که باعث ایجاد زایه‌های دیگری، این‌بار بیسن مردم و نیروهای پاسدار امنیت‌شان، خواهد شد؛ نقلی‌که می‌گویند جاداست و این موضوع را بیش از هر کس دیگری اهالی خوزستان در یافته‌اند و باور دارند.

نکته‌مهم‌دیگر در ماجرای خوزستان تعدداظهار نظر مسئولین بی‌مسئولیت و نبود پاسخگویی مسئولان دارای مسئولیت است. در همین چند روز گذشته اکثر شخصیت‌های سیاسی مهم کشور که گاهی چند دهه در مناصب بالا مسئولیت داشته‌اند و به نوعی در انباشت مشکلات خوزستان سهمی بوده‌اند، آن‌چنان سپرپمن‌گونه از آمادگی برای حل مشکلات خوزستان سخن می‌گویند که گویی تاکوتن هیچ مسئولیتی متوجه آنان نبوده است. کافی است صفحات فضای مجازی را رصد کنید تا دریابید انبوه مسئولان بی‌مسئولیت از نماینده و وزیر گرفته تا باید پاسخگوی وضعیت فعلی باشند! مردم البته این فرار رو به جلوا را متوجه می‌شوند و این مطالبه‌گری از سوی مردم نسبت به همه مسئولان در گذشته و حال وجود دارد که چرا در حق مردم خوزستان کوتاهی کرده‌اند. آیا مردم حق ندارند ببرسدن آن شخصیت سیاسی که امروز از طریق توئیتر و صفحه اینستاگرام برای استان خوزستان نسخه می‌پیچد، چرا در چهار دهه عمر مدیریت خود قدم از قدم برداشت؟! واقعیت آن است که دوران مدیریت وعده و ششعار و رجزخوانی و نسخه‌پیچی پشت میزی تمام‌شده و در عرصه میدان و عمل باید مردم تغییر را احساس کنند، شخصیت‌های سیاسی تکراری و بی‌خاصیت که همه جا هستند، همه جا احساس مسئولیت می‌کنند و برای هر دردی نسخه‌پیچی می‌کنند، اگر در دوران بازنشستگی خود در چنین رویدادهایی اظهارنظری هم نکنند کسی شاکي نمی‌شود، اما نسخه‌پیچی همین شخصیت‌ها که اتفاقا باید به دلیل ضعف عملکرد خود پاسخگو باشند، صرفاً نمک پاشیدن بر زخم‌های کهنه مردم است. درد خوزستان نبود مسئول نیست، بلکه بی‌مسئولیتی هزاران مسئول بر مدعاست.



مروری بر زندگی مرتضی نی‌داود؛

مدفون در غربت محبوب در وطن

سرمقاله

خوزستان، آزمایشگاه نیست



ولی‌الله شجاع پوریان
مدیرمسئول

۱- «خوزستان متعلق به همه ایران است. اتفاقات تلخ این روزها در این سرزمین بدون تردید موضوعی ملی و فراجحای است و حل مشکلات رومزه این استان اگر وظیفه قانونی برخی دستگاه‌ها و ارگان‌ها نباشد، وظیفه وجدانی و انسانی همه ایرانیان به شمار می‌آید. شهروندان خوزستانی که در روزهای مختلف شاهد امدا رسانی کشور ایران به شهروندان سایر کشورها یا تلاش شهرداری تهران برای آبادانی شهرهای مذهبی عراق هستند، به طور قطع چشم انتظار دریافت کمک و مساعدت از نهادهای داخلی هستند. چنین انتظاری برای مردمی که سال‌ها طعم جنگ را چشیده‌اند و سهم بزرگی در بقا و تثبیت نظام و انقلاب داشته و ۸۰ درصد درآمد نفتی کشور را تأمین می‌کنند، خواسته غیرقابل‌تحقیق نیست و باید تدبیری هرچه سریع‌تر برای این امر اندیشیده شود.»(سرمقاله روزنامه همدلی، ۲۶ بهمن ۱۳۹۵)

۲- «بحران امروز خوزستان بی‌تردید صرفاً برآمدی از باران بهاری امسال نیست و به مدیریت امروز و روزهای گذشته نیز بر نمی‌گردد، بلکه برخی مشکلات ساختاری و رویکردهای نهادینه شده در این استان، باعث شده است تا نسبل، زخم‌های واقعی این خاک را که زیر ریزگردهای ناکارآمدی مدیران پرادعا و کم‌کار پنهان شده بود، باز نماید. به هر حال رفع شرایط

ناگوار فعلی نیازمند عزمی بالاتر از سطح مدیران استانی و رویکردی علمی‌تر و نوین‌تر به استان است. بی‌تردید اگر در دهه‌های گذشته به جای بی‌توجهی و غفلت از مشکلات قابل پیش‌بینی این استان به‌ویژه در زمینه کمبود منابع آبی و افزایش ریزگردها، تدابیری هوشمندانه اندیشیده می‌شد و زیرساخت‌های لازم در نظر گرفته می‌شد، بارندگی‌های روزهای اخیر این استان به جای تحمیل خسارت‌های مالی و جانی و روحی به مردم غیور آن، حتی می‌توانست، به تنهایی بخش بزرگی از مشکلات این منطقه را حل و رفع کند.»(سرمقاله روزنامه همدلی، ۲۵ فروردین ۹۸)

۳- موارد پیش گفته در بند ۱ و ۲ و هشدارهایی بود که نگارنده در دو بازه زمانی ۹۵ و ۹۸ نسبت به دو رویداد ریزگردها و سیلاب در خوزستان در همین روزنامه مطرح کرده است. شوربوختانه مصائب و چالش‌های استان ثروتمند و نفت‌خیز خوزستان به مثابه دردی عمیق، کهنه و دیر پای سال‌هاست در جان و روان مردمان این دیار سنگینی می‌کند و سخن گفتن از ظرفیت‌های این استان در کنار دردها، زخرها و چالش‌های آن تکرار مکررات و مشکلائی است که سال‌هاست به طرق مختلف بیان و طرح شده است. ما در بنا که ششوندای نداشته و ندارد و احساسات هیچ منجی و فریادسرای رابر نیانگیخت و چنین به‌نظر می‌رسد که تا کار به جاهای باریک نکشد و کارده استخوان نرسد، کسی کار نمی‌گردد!

۴- سخن از تغییر استناددار و فرماندار و فلان مدیر یا ضعف این دولت و آن دولت نیست، نگاه به خوزستان نیازمند تغییر است. خوزستان به عنوان بازوی اقتصادی ایران به گواهی اسناد تاریخی حتی در دوران پهلوی دوم نیز در تراز ملی مدیریت می‌شد، محمدرضا شاه فارغ از تقسیمات کشوری به صورت مستقیم و شخصاً بر اداره خوزستان نظارت می‌کرد و این‌گونه نبود که همچون چند دهه اخیر استان خوزستان به محل آزمون و خطای مدیران بی‌تجربه برای سکوی پرتاب به سایر استان‌ها نگریسته شود. گویی این سرزمین به آزمایشگاه و محل آزمون و خطای مدیران کشور برای آزمون توان و ظرفیت مدیریتی‌شان بدل شده است، مدیرانی که گاه از این خون هم موفق عبور نمی‌کنند، اما گویی عنوان مدیریت در خوزستان — چه موفق و چه ناموفق— در رزومه‌شان، کافی است تا راه را برای ارتقای مدیریتی و سیاسی‌شان هموار کند. اصرار بر مدیریت بومی یا غیربومی بودن مدیران نیست، اما پیش از انقلاب تراز مدیران در خوزستان در تراز مدیران ملی و در زمره موفق‌ترین و مجرب‌ترین مدیران کشوری بود، حال آنکه دهه‌هاست استان خوزستان در اداره کشور

به حاشیه رفته، که ضرورت دارد این رویکرد باید در اسرغ وقت تغییر کند. به نظر می‌رسد تشکیل کمیته ویژه با اختیارات ویژه و نظارت رهبری و حضور روسای سه قوه و وزرا و مدیران مرتباً، گام فوری و ابتدایی برای اثبات تغییر رویکرد در رسیدگی به موضوع خوزستان است.

۵- روزی روزگاری خوزستان قبله آمل بسیاری از ایرانیان بود، از دانشگاه و فرودگاه گرفته تا کارخانه و بیمارستان و ورزشگاه و سایر پدیده‌های مدرن، پیش از آنکه در تهران و تبریز و اصفهان و شیراز نمود داشته باشد، در خوزستان خودنمایی می‌کرد.

ادامه در صفحه ۵